

بررسی تطبیقی سمبل‌های هند و ایران در عهد باستان

فروغ جلیلی نیا

کارشناس ارشد صنایع دستی، گرایش پژوهش هنرهای سنتی از دانشگاه سوره تهران

ایمیل: jalilinia_forough@yahoo.com

forugh.jalilinia@gmail.com

چکیده

بخش مهمی از سابقه سمبل‌ها و اساطیر در تمدن ایران و هند در آثار هنری این دو تمدن نهفته است که به عنوان اسنادی معتبر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بی شک این آثار در میان تمدن‌های کهن ایران و هند ارتباط نوعی پیوند درونی ایجاد کرده و منشا ایجاد ارتباطات بعدی شده‌اند. مقاله‌ای که از نظر خواهید گذراند به بررسی تطبیقی پیرامون سمبل‌ها و اسطوره‌های حیوانی ایران باستان و ارتباط آن با سمبل‌ها و اسطوره‌های حیوانی هند باستان بر اساس اسناد و مدارک می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: نقوش حیوانی، ایران باستان، هند باستان

مقدمه

اسطوره جلوه‌گاه هنر و اندیشه هر قوم و ملتی است. اسطوره پدیده‌ای است ماندگار که با دو روی آشکار و پنهان، روشن‌ترین و نهفته‌ترین مفاهیم فرهنگی را در خود جای داده‌است. مضامین اسطوره‌ها با مهم‌ترین مراحل و بخش‌های زندگی ما در ارتباط- اند مضامین این اسطوره‌ها با هم مشترکند زیرا از زمینه‌های مشترک هستی، انسانها سرچشمه گرفته‌اند.

سمبل‌ها نیز در بیان ساده، نماد خالص از چرخه خلقت، زندگی و مرگ، و تصویر مسائل با اهمیت زندگی انسان‌ها در قالبی موزون و روان بوده‌اند. سمبل‌ها تجلی ایده‌آل‌ها، حقایق و ارزش‌های مطلق انسانی یک دوره و یا یک قوم از جوامع بشری و اسطوره‌ها انگیزه‌ای برای پیدایش سمبل می‌باشند این گونه است که دو مقوله سمبل و اسطوره در کنار هم معنی پیدا می‌کنند. بیش‌تر نقوش طی دوره هخامنشی تا دوره ساسانی روی مهرها، حجاری‌ها و لوحه‌ها، نقوش برجسته‌ی سنگی یا گلی، مجسمه- های فلزی، نقاشی روی دیواره‌ها و حتی نقوش روی پارچه مشاهده می‌شود. به همین ترتیب، در آثار مربوط به هند نیز این نقوش بیش‌تر در مجسمه‌ها، نقوش برجسته، نقاشی روی کاغذ، نقاشی روی پارچه مشاهده می‌شود. بسیاری از علایم و نشانه- های که در قالب سمبل نمود پیدا کرده‌اند، در میان این دو تمدن ارتباط و نوعی پیوند درونی ایجاد کرده و منشأ ایجاد ارتباطات بعدی شده‌اند. مقایسه سمبل‌های حیوانی ایران باستان و هند باستان بیانگر تأثیر پذیری آداب و رسوم و افکار مذهبی این دو تمدن باستانی از یکدیگر است.

بررسی نقوش حیوانی در ایران باستان

گاو:

گاو در اوستا علاوه بر معنی معمول آن به صورت اسم جنس بر همه چهار پایان مفید اطلاق می‌شود. در فرهنگ زرتشتی هنوز لغت "گاو" بر سر یک دسته از اسامی جا نوران از قبیل گاو میش، گاوگوزن، گاوگراز و گاوماهی دیده می‌شود. در ایران گاو در میان چهار پایان از همه مفیدتر تلقی می‌شده است. گاو نر یا ورزا که عمل زراعت و شخم زدن را بر عهده داشت، در زندگی کشاورزی آن روز برای انسان یاری بسیار گران‌بها بشمار می‌رفته است.

گاو اوگدات، چنانچه از روایات مربوط به آفرینش در ایران کهن بر می‌آید پنجمین مرحله آفرینش در خلقت عالم حیوانات بوده همانطور که در خلقت گیاهان در اساطیر سخن از "درخت همه تخم" که همه گیاهان از آن به وجود می‌آیند می‌رود در مورد حیوانات هم اعتقاد بر این بود که گاوی به نام یه‌چه‌پایان "اوگدات" تخم کلیه چهار پایان و حتی برخی گیاهان سودمند را با خود داشت. این گاو تنها مخلوق روی زمین و حیوانی بود زیبا و نیرومند که گاهی او را به صورت گاو نر و گاهی هم در شکل گاو ماده تصویر کرده‌اند. روان گاو(گوشورون) ظهور مردی را که حامی حیوانات باشد از اهورا مزدا خوستار شد که اهورا مزدا فره وشی زرتشت را بدو نمود سپس هر یک از اعضای گاو نخستین پنجاه و پنج نوع گیاه شفا بخش روید و شکوه خود را از نطفه- ی گاو نخستین کسب کرد.

از این نطفه یک جفت گاو نر و ماده پدید آمد و به دنبال آنها ۲۸۲ جفت از هر یک از حیوانات روی زمین ظاهر شد. افسانه‌ی گاو نخستین در آیین میترا(مهر پرستی) و مذهب مانی نیز باقی مانده با این تفاوت که در آیین مهری نخستین گاو موجود اهریمنی بود که به ترتیبی خاص مهر با او به جنگ پرداخت و پس از چیرگی بر او با دستی منخرین او را گرفت و با دست دشنه‌های بر پهلوی او فرو برد. در این لحظه از اعضای بدن و خون گاو نخستین کلیه گیاهان و انواع چهار پایان پدید آمدند.

گاو زمین: در افسانه آریایی گاو مقدس و نماینده قدرت و نیرو است. از این رو قدما معتقدند که: زمین روی شاخ گاو قرار دارد و گاو بر پشت ماهی بزرگ و او بر دریاها شناور است. در اسطوره های میتراپی: خون گاو سبب پیدایش موجودات می‌شد ولی در این باور جنبش گاو سبب باز پیدای سال و آفرینش نطفه می‌شده است. گاو در فرهنگ کهن مصری: به علت سابقه گاو آپیس و در فرهنگ هندی به سبب زمینه‌های پرستش و تقدیس گاو نیز بسیار توجه و ستایش شده‌است (یاحقی، ۱۳۶۹، صص ۳۸۴، ۳۸۵). در باورهای قدیم و اساطیری در اعلایم نجابت خانوادگی مبنی ارزش مادی بزرگواری دلیری و شجاعت است.

مقام گاو در زمین در برابر "ثور" در آسمان است. زیرا وی در کشتکاری زمین نقش موثری دارد. علامت خورشید (چون خورشید بر بی سودمندی دیگران در خود می‌سوزد. در تصویرهای سمبلیکی غالباً به شکل گنبد خورشید درخشان) مصور شده-

است. در اساطیر زرتشتیان آسیا گاو زمین خشکیده نخستین را با شاخ‌های خود حفر می‌کند و به آب می‌رسد و دریاچه‌ها و رودخانه‌ها از آب شکل می‌گیرند. گاو با سری از شیر علامت حاصل خیزی و قدرت زمین است. در ایران باستان شکلی از ایزد طوفان دارد که مولد باران است. شاخ گاو ماده علامت رسالت عقل و علامت خورشید یا ماه است. (گرترو، ۱۳۸۰، صص ۱۰۹-۱۱۱) در تصاویر مربوط به گاو که اولین تصویر است در آیین مهر میتوان این تصاویر را مشاهده کرد و در این تصویر مهر با گاو به جنگ برخاست و در این جا گاو موجودی اهریمنی شناخته شد. (تصویر شماره ۱)



تصویر ۱. گاو نخستین هنگام قربانی شدن توسط میترا، عناصر و موجودات اطراف گاو نمادی از گردش زمان هستند. از جمله نقوش مربوط به گاو سر ستونی است در تخت جمشید که نقش دو گاو زانو زده پشت به هم قرار گرفته را نشان می‌دهد. (تصویر شماره ۲) درباره نقش گاو در هنر ایران می‌توان به تصویر گاو ماده ای دیگری که در یکی از سر ستون های تخت جمشید حجاری شده است. (رمان گیرمش، ۱۳۷۱، ص ۲۷۱) (تصویر شماره ۳). در ایران باستان شاخ گاو ماده علامت رسالت عقل و علامت خورشید یا ماه بوده است.



تصویر شماره ۳. سر ستون به شکل گاو، زمان هخامنشیان، تخت جمشید
در تصاویر دیگر مربوط به گاو می‌توان به ریتون‌ها و ساغرهای نقره ای اشاره کرد که مربوط به زمان اشکانیان و از مقبره هفت برادران به دست آمده است که، به ساغرهای شاخی شکل مشهورند. و کاملاً قابل مقایسه با کار هنرمندان زمان هخامنشی است. (توحیدی، ۱۳۷۷، ص ۴۷) (تصویر شماره ۴)

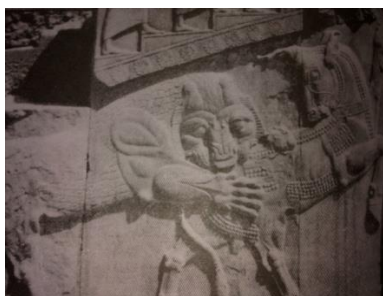


تصویر ۴. ساغر سیمین، مکشوفه در کوبان، قرن ۵ و ۶ ق. م، موزه هنری سینسیناتی

در زمان ساسانیان نقش گاو را بیشتر روی سکه ها و مهر ها میتوان یافت که در این نقوش گاو به صورت ساده و همراه ماه در بعضی جاها نمایان است. (ریاضی، ۱۳۷۵: ص ۲۰۵) (تصویر شماره ۵)



تصویر ۵. اثر مهر های مسطح دوره ی ساسانی- همراه علائم و نشانه های مخصوص آن زمان از جمله تصاویر مربوط به گاو را میتوان در مراسم قربانی گاو در آیین مهر اشاره کرد در این تصویر شیر نماد مهر بوده که در حال جنگ با گاو است. (تصویر شماره ۶)



تصویر ۶. خت جمشید، صحنه قربانی گاو در آیین مهر

اسب:

اسب در روزگاران کهن در اساطیر ملل مورد توجه بوده و به نگرهبانی و تیمار این حیوان سودمند که به صفات تند و تیز و چالاک و دلیر و پهلوان موصوف است، اهتمام داشته‌اند. اسب در تمدن سومری کهن، نقش اساسی و مهمی داشته‌است. در داستان آفرینش از میان آب ازلی، نخست آتش، عین اسبی است که محل او در آب است و آفریدگار کاینات در تجسم مادی خود به صورت اسب در آمده‌است. در فرهنگ ایران به ویژه اسب و گردونه، از زمان‌های کهن استفاده شده‌است. در ادبیات "ودایی" جهان هستی به صورت اسب تجسم یافته‌است. فرشته نگهبان چهار پایان که در اوستا (دارنده اسب سالم) خوانده شده، دارای گردونه است، شاید با توجه به همین مساله است که، اسب را "شاه چرندگان" و در میان چارپایان از همه نیکوتر دانسته‌اند. تشر، فرشته باران، بر دست یابی به آبهای بارور به شکل اسب سفیدی در آمد و با اپوش، دیو خشکی، که او نیز به صورت اسب سیاهی بود، جنگید. ایزد بهرام در سومین و ویشنو (ایزد بزرگ هندی) در دهمین تجلی خود به صورت اسبی سفید و زیبا ظهور نمودند. از لحاظ طرح کلی شهر شوش به شکل "باز" ساخته شده و شوشتر به شکل "اسب" است. بنابر آن چه گفته شد و با توجه به اسطوره‌های آفرینش، اسب به مفهوم هستی، ستاره‌ای از ستارگان رونده، قوس یا برج نهم سال، یکی از مظاهر تجلی و ظهور عالم امکان، فرشته گردونه کش خورشید که هر روز از بام تا شام خورشید را راهبر است به صورت اسب تجسم یافته‌است. (یاحقی ۱۳۶۹، صص ۷۸-۷۹) معنای سمبلیک اسب: اسب در معنای سمبلیک به معنی آزادی، اندام زیبا، بخشندگی، پایداری، تحمل، حرکت، حس شنوای، سرعت، نیرومندی هوش، جنگ، سر سختی و لجاجت هم آمده است. (گرترو، ۱۳۸۰، صص ۱۰۹-۱۱۱) در باور های قومی و اساطیری: در نشانه های نجابت خانوادگی، آماده برای هر گونه خدمت در

زمان صلح و یا جنگ است. ایرانیان برای تداوم گردش خورشید و آسمان، اسب را در پیشگاه خدای خورشید قربانی می‌کردند. اسب با بال موج دار نشانه خورشید است. اسب در حال پرواز، مرکب خدایان، نشانه ظهور علم، فهم و هوش می‌باشد. اسب سفید یا طلایی در اساطیر ایران باستان شکلی از "تیشتر" آورنده‌ی آب، نشانه‌ی مردی و نیرومندی است. از جمله نقوش مربوط به اسب مجسمه اسب برنزی سواری از دوره هخامنشی است مربوط به قرن ۴.۶ ق. م در موزه بریتانیا است این مجسمه نشان می‌دهد که در زمان کوروش بزرگ اسب‌هایی که در زمان جنگ به دست می‌آوردند و یا اسب‌هایی که برای پیش کش به آنها تقدیم می‌شد نشان می‌دهد که، این اسب‌ها را در سواره نظام به کار می‌بردند و تنها هدیه‌ای که آن‌ها می‌پذیرفتند اسب و سلاح بود. البته باید توجه داشت که، قربانی کردن اسب در زمان هخامنشی رواج داشته و حتی در مراسم تاج گذاری کوروش در بابل هم بخاطر اهمیت قربانی کردن اسب در آن زمان قربانی صورت می‌گرفت. شکل خود اسب و سوار آن تا حدودی آن حالت اسطوره‌ای و غیر رئال خود را حفظ کرده است. (سمسار، ۱۳۴۳، صص ۳۳-۴۱)



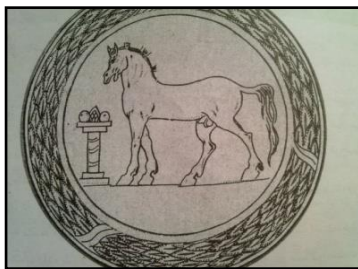
تصویر ۷. نقش برجسته آشوری که مادها را در حال اهدای اسب نشان می‌دهد. سده ۸ ق. م

از جمله آثار مربوط به ماد که در نقش برجسته آشوری آمده است نقش فردی مادی است همراه اسب که به رسم هدیه به دربار پادشاه آشوری می‌برد، (تصویر شماره ۷) این اثر متعلق به سده ۸ ق. م است.



تصویر ۸. نقش برجسته یک چابک سوار پارتی روی سفال

در این تصویر ارتباط نقش‌های بالای سر اسب با نقوش موهای سر سرباز مادی بسیار جالب توجه است. در این تصویر سرباز مادی و سر اسب‌ها و بدنش از نیم رخ نشان داده شده، ولی دستی که تسمه گردن را گرفته از روبرو دیده می‌شود و کاملاً به طور طبیعی تجسم یافته است. از جمله نقوش برجسته مربوط به دوره اشکانیان نقش برجسته روی سفال است که، سوار پارتی را نشان می‌دهد. در این نقش برجسته سوار پارتی تا حدودی طبیعی مطرح شده و حالت اسب و سوار در مقایسه با زمینه نقش برجسته سفال خیلی هماهنگی دارند و حالتی از جنگ را برای ما القا می‌کنند. (سمسار، ۱۳۴۳، صص ۱۸-۲۱) (تصویر ۸)



تصویر ۹. اسب جنگی پارسی کنار یک آتشدان، کنده کاری روی پایه گلدان نقره ای قرن اول میلادی

نمونه دیگر از اسب پارسی را که اسب جنگی آن‌ها را می‌توان در کنار آتشدان مشاهده کرد. (هرمان ۱۳۷۳، ص ۲۸) (تصویر شماره ۹) نقوش روی اسب در دوره ساسانی بیش تر روی ظروف سیمین و زرین ترسیم شده است. برای جلوه اسب زین و یراق و تزئیناتی در اطراف آن مشاهده می‌شود. (تصویر شماره ۱۰)



تصویر ۱۰. خسرو دوم در حال شکار (سده ۶ و ۷ میلادی) کتابخانه ملی پاریس

فیل:

در معنی سمبلیک آن آرامی، اصل آلت نرینه، وقار، احتیاط، اعتدال، خود داری، شرم، زیرکی، ناهنجاری بیان شما است. در باورهای قومی و اساطیری، مرکب شده خدایان یا پادشاهان، در نشانه های نجابت خانوادگی، سمبل بلند پروازی تیز هوشی، شهامت، عقل و جانوری که توسط حیوانات کوچکتر از خود فریب می‌خورد. خرطوم فیل علامت باران و برق است. (گرترو، ۱۳۸۰، صص ۸۹-۹۰) منابع نوشتاری و باستان شناختی، هر دو، بر وجود فیل و استفاده از آن در خاور نزدیک گواهی می‌دهند. علاوه بر کشف تعداد زیادی از اشیای ساخته شده از عاج، مدارک باستان شناختی دال بر کشف عاج از سوریه و استخوان های فیل، در هفت تپه را نیز شامل می‌شود. به هر حال، استفاده از فیل در جنگ در خاور نزدیک، تا قرن چهارم قبل از میلاد، یعنی زمانی که فیل های هندی در سپاه داریوش سوم در نبرد گوگمل ظاهر شدند، مرسوم نبود. در منابع هخامنشیان هیچ نوشته ای درباره فیل یافته نمی‌شود. هخامنشیان عاج را می‌شناخته‌اند. هردوت به "یست دندان عظیم فیل" بابت خراج حبشی ها به ایران، که هر دو سال یک بار تحویل می‌شده، اشاره کرده است. شاید همین دندان هاست که، بر سنگ های تخت جمشید حمل آنها به وسیله فرستادگان حبشی نقر شده است. داریوش کبیر برای ساختن کاخ خود در شوش از عاج هایی که از حبشه، سند و رنج آورده شده بود استفاده کرد. تعدادی شیء ساخته شده از عاج به دوره ی هخامنشی در حبشه و حوالی مرزهای هند میتوان یقین داشت که، شاهان هخامنشی از دیر باز بر وجود فیل آگاهی داشته‌اند. اگر به نوشته (کتز یاس اعتماد کنیم، در واقع به سواره نظام کوروش کبیر که در جنگ بر ضد سکا ها در حوالی شرق دریای خزر فیل ها را تارو مار کرد پی خواهیم برد. در هیچ کجای منابع یونانی مربوط به ایران سخنی از فیل به میان نیامده است. مگر در سال های پایانی شاهنشاهی، یعنی هنگامی که داریوش سوم در آخرین تلاش برای جلوگیری از پیشروی اسکندر کبیر در گوگمل از فیل هندی

استفاده کرد. بر اساس نوشته‌ها، داریوش در این جنگ از ۱۵ فیل استفاده کرد، ولی هیچ اشاره ای نشده است که، این فیل‌ها در نبرد مفید واقع شده‌اند یا نه؟ به چند دلیل این بی‌توجهی به فیل را می‌توان ارائه کرد. یکی از این دلایل بی‌اعتمادی به سلاح جدید است. اگرچه چنین احساسی مطمئناً با گذشت زمان می‌بایست از بین می‌رفت، زیرا هخامنشیان مدت دو قرن با هند رابطه داشتند. دلیل دیگر این است که، شاید هخامنشیان احساس می‌کردند که به فیل نیاز ندارند.

در این زمینه شاید تامل درباره‌ی اینکه نگرش هخامنشی تا چه حد از نفوذ اولیه‌ی زرتشتی‌ها متأثر باشد جالب است. در سال ۱۹۷۵، احمد تفضلی نوشته‌است که، در ابتدا زرتشتیان فیل را در رده حیوانات وابسته به دیویا اهریمن به حساب می‌آوردند، ولی در زمان سلسله ساسانیان و شاید در نتیجه نفوذ هندیان، فیل به مظهر اقتدار و نیز ستون اصلی سپاهیان ساسانی مبدل شد. به نقل از منابع درباره‌ی فیل‌های داریوش سوم می‌گوید که این دگرگونی از زمان هخامنشی شروع شد، زیرا آنها در جنگ از فیل استفاده می‌کردند. در زمان اشکانیان جالب است بدانیم که، سکه‌های مفرغی از نخستین پادشاه این دوره‌ای به نام مهرداد اول تا اود دوم یافت شده که تصاویر فیل بر آنها دیده می‌شود. روی این سکه‌ها، معمولاً تصویر یک فیل به طور کامل و گاه فقط سر فیلی حک شده است.

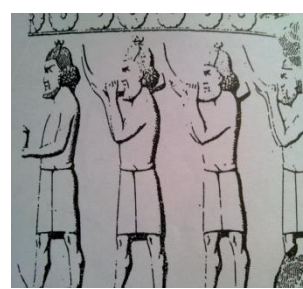
در تصاویر مربوط به فیل از زمان هخامنشیان به بعد چیزی که دارای اهمیت است تصاویری از عاج فیل است که، در تخت جمشید یافت شده است. (چارلزورث، ۱۳۶۶، صص ۱۳-۱۷) (تصویر شماره ۱۱) که نشان می‌دهد عاج فیل اهمیت داشته، نمونه‌ای دیگری از تصاویر فیل روی سکه‌های مفرغی اشکانیان (چارلزورث، ۱۳۶۶ صص ۱۴) می‌توان به (تصویر شماره ۱۲) و نیز به کنده‌کاری‌های زمان پارتیان در زمینه نقش فیل اشاره نمود که در (تصویر شماره ۱۳) مشاهده می‌شود.



تصویر ۱۳. کنده کاری روی عاج فیل، دوره پارتیان



تصویر ۱۲ طرح سکه مفرغی، اشکانی



تصویر ۱۱. خراج گذاران حبشی، تخت جمشید

مار:

مار، خزنده‌ی معروف، از جمله جانورانی است که، در اساطیر بسیاری از اقوام و ملل به صور گو ناگون مطرح است، مار همچنین سمبل شفا در وجود "اسکولاپ" (خداوند سلامتی و بهبود) نمایانده شده، و هنوز هم به صورت علائم حرفه‌ای پزشکی باقی مانده است. در قسمتی از معبد اسکولاپ، که خرابه‌های آن هنوز "اپیدر" بر جاست، برای مار مراسمی بر پا می‌شده، زیرا این جانور خاص اسکولاپ و مظهر و سمبل قدرت زندگی به شمار می‌رود. هم چنین وجود واژه‌های متعدد در گویش‌های مختلف رابطه‌ی مار را با اساطیر آفرینش آشکار می‌کند.

در ماجرای عروج "میترا" به آسمان وی برگردونه سوار است که (هرمس-مرکور) راهنما و راننده‌ی گردونه است و به علت بال‌های که بر سر دارد و چوبی از درخت غار، که دو مار دور آن حلقه زده‌اند قابل تشخیص است. از این رو در آیین میترا مار یکی از نشانه‌های اصلی است. سوسن و سنبل و اسپرغم و نیلوفر، هر کدام به نوعی با مار پیوند دارند.

در داستان پیدایش آتش اهریمن مار را که هم ریشه، مرگ است پدید می‌آورد، و اهورا مزدا در برابر آن، و برای مقابله با مار، آتش را آفرید، و به این ترتیب آتش مقدس شد. در روایات دوره‌ی اسلامی، که گاه از سرچشمه‌های فرهنگ یهود متأثر است، مار حیوانی زیبا، و دارای چهار پا بوده مانند شتر، و از خزانه بهشت بشمار می‌رفت. اما چون با ابلیس در اغوای آدم همراهی کرد و او را به داخل بهشت نفوذ داد به عقوبت اینکار او را از بهشت اخراج کرده و به اصفهان انداخت و او را به خاک خوردن و شکم خزیدن عقوبت کرد و مقرر شد که آدمیان سر او را بکوبند. (یاحقی، ۱۳۶۹، صص ۳۸۱-۳۸۲)

در باورهای قومی و اساطیری سمبل مار وجهی از خدایان زمینی و تندرستی، قهرمانان مرده، ابلاغ کننده پیام الهی است. رقص مار در بسیاری از نقاط دنیا مراسم برای رشد و نمو گیاهان را شامل می‌شود، که در این رابطه مار سمبل حاصلخیزی زمین و فراوانی باران به کار رفته از زمانهای دور مار به تجسم مجدد انسان متوفی مورد احترام بوده است. از قدیم تا کنون این اعتقاد رایج بوده که روح افراد متوفی به شکل مار باقی مانده و در عمارت‌های قدیمی زندگی می‌کند. اقوام و دوستان شخص مرده، غذایی را که شیر است به آن مار می‌دهند و آداب و رسوم دیگری نیز به جا می‌آورند. مار شاخدار در اساطیر نشانه آب است (گرترو، ۱۳۸۰، صص ۱۲۸-۱۳۰). مار بعدها متعلق به مهر گشت و همراه میترا نقش شد بقیه‌ی مفاهیم به جز نماد آب و باروری و تاریکی بودن و شباهت‌های ظاهری دیگر با ماه، مفاهیم نقش مار با ماه مشترک است. در همین زمان که مار نشانه میترا می‌شود، دیگر تهدیدی برای مار محسوب می‌شود و گاه نیز مظهر پلیدی می‌شود. پوست انداختن مار، خزنده معروف، جانور خاکی یا زمینی، باعث می‌شود که مردمان دوران باستان تصور کنند که مار دائماً می‌تواند تجدید حیات کند و از این رو ادعا شده که جاوید و نامیرا است. مار دارای عمر طولانی است و قدرتی شگرف دارد. چون در زیر خاک به سر می‌برد، نگهبان مردگان دانسته می‌شد. بنابراین، اسرار اصوات را می‌دانست و مظهر جسم روان‌های در گذشتگان بود. مار پاسبان دروازه‌های زندگانی جاوید و نیز نگهبان زمینه‌های مدفون در زیر زمین شناخته شده و پرستیده می‌شده است. مار که با چشمان باز می‌خوابد، رمز هشیاری است. (گذار، ۱۳۵۸، صص ۴۹-۵۲)

برخی قبایل معتقد بودند که در قلب زمین، مار بزرگی در میان آتش خفته است. این آتش، آتش حیاتی زمین است، زیرا زمین حیات دارد آنان معتقد بودند که زمین پیک مار است و دریاچه‌ها در گودی چین‌های بدن او جای دارد. مار اگر در شکل جریان آب نشان داده شود نماد آب و نشانه‌ی نیکی و فراوانی و حاصل‌خیزی است. اما زمانی که با خصوصیات جانوری، به خصوص بانیش، ترسیم شود نشانه‌ی اهریمنی است. مار در اوستا "اژی" آورده شده، یعنی روی شکم رونده، تندرو و چاست و چابک. اژی در اوستا چندین بار با واژه‌ی "هاک" آمده است، در فارسی اژدها گوئیم و نام ستمکاری است (ضحاک). واژه مار به معنی میراننده و کشنده است. این جانور جزو خرفستران بوده و کشتن آن واجب بوده است. (عبدالهیان، ۱۳۷۸، ص ۵۶) در تصاویر مربوط به مار به آن صورت نقوش خاصی پیدا نشده فقط یک نمونه از نقش مار در آیین میترائیسم هنگام گاو کشی توسط میترا به دست آمده که تصویر آن در بخش اساطیر انسانی محبت میترا آورده خواهد شد.

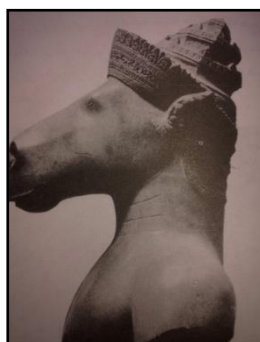
نقوش حیوانی در هند باستان

اسب:

در آیین بودا و بوداییان در هند اسب، ابریا اژدها مرکب "برهما" محسوب می‌شود. در منطق البروج هند اسب اداره کننده حمل است. گردونه "سوریا" با هفت اسب سبز نه رنگ به نشانه تجدید زندگی ابدی رانده می‌شود. (گرترو، ۱۳۸۰، صص ۱۵-۱۸) اسب در حال پرواز، مرکب خدایان، نشانه‌ی علم، فهم و هوش است. مرکبی که بودا با آن زندگی عادی را ترک گفت، تا یک ریاضت کش به وسیله‌ی اسب سفید باشد. این اسب سفید بودا را از چنگال دیوان آدم‌خوار نجات داد. در آیین هندو این حیوان مرکب ویشنو است. (جایز، گرترو، ۱۳۸۰، ص ۲۰)

اساساً در ذهن اقوام هند و اروپایی اسب نشانه‌ی ایزد آفتاب و ایزد ماه و ایزد باد سخن رفته است. پس از ظهور بودا تا زمان حاضر اوتار ظاهر نشده و اعتقاد بر این است که در انتهای کالی یوگا که همان آخر الزمان است، آخرین اوتار تجلی خواهد نمود در انتهای این زمان که زمین پر از شر و فساد خواهد شد و تباهی و ضلالت به منتهای اوج خود خواهد رسید، کالکی برای پایان دادن به تباهی و فساد، و سزا دادن به منحرفین و شرور ظهور خواهد کرد. کالکی شخصیت مسیحایی هندوان است که، ما به ازای امام زمان در سنت مذهبی اسلام است. کالکی در حالی که سوار بر اسب سفید است (تصویر شماره ۱۳) و شمشیری که چون صاعقه می‌درخشد در دست دارد برای برقراری عدل و انصاف ظاهر خواهد شد. در غروب این عصر که همه شاهان یاغی و دزد خواهند شد و خنجر ظلم و ستم، قلب مجرمین را مجروح خواهد ساخت، پروردگار جهان در قالب کالکی از مؤبدی به

نام "ویشنو یاشاس" متولد خواهد شد (پدکرگو ۱۳۷۷، صص ۱۴۹-۱۵۰-۲۶۹). در جایی دیگر تندیس سنگی سر کالکی را می بینیم که این هم از اوتار دهم ویشنو است. (تصویر شماره ۱۴)



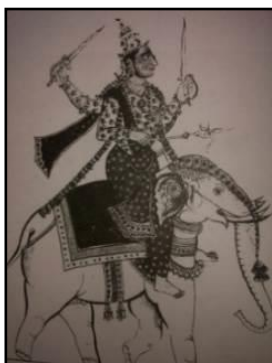
تصویر ۱۴. کالکی موعود دهم، تندیس سنگ صیقلی، سده دهم میلاد،



تصویر ۱۳. کالکی، اوتار دهم ویشنو، موعود آخر الزمان

فیل:

در باورهای قومی و اساطیری مرکب خدایان یا پادشاهان است، در نشانه های نجابت خانوادگی، سمبل بلند پروازی، تیز هوشی و شهامت و عقل میباشد. یکی از نشانه ها در آیین بودا فیللی است که روی لاک پشتی قرار گرفته و گلدانی از گل نیلوفر را نگه داشته است. در برخی دیگر از نشانه ها فیل دنیا را بر پشت خود قرار داده است. هم چنین آورنده باران مرکب "اینندرا" کشنده "وریترا" دیو خشکسالی در هند باستان است و وجهی از "گانشا" مرکب "سامانتا بهار دا" است. (تصویر شماره ۱۵) خرطوم فیل نشانه باران و برق است. بلکه مخارجی هم صرف نگه داری آن می شود. حالت و شکلی که بودا وارد بطن مادرش "مایا" شد حالتی از فیل بود. فیل مظهر خرد الهی و علامت خورشید است هم- چنین فیل مزین به شش عاج یکی از نشانه های بودا است. (گرترو، ۱۳۸۰، صص ۸۹-۹۰)



تصویر ۱۵. ایندرا ی هزار چشم، آبرنگ روی کاغذ، ۱۸۲۰م

گاو:

در اساطیر ایران و هند گاو و ماه یک سان اند. هر دو در امر آفرینش و تکوین نقش دارند. آدر هند ایندرا پیوسته با ورزه گاو قیاس می شود. قرین ورثرغن، به سیمای گاو و اسب محل (تخم کشی)، قوچ، بز، گراز و بر زرتشت پدیدار می شود که همه نمادهای روح قرینه ی رزم جو و جنگاور و قدرتمندی های اساسی نژادند. خدای زاینده ی آسمانی، به سیمای ورزه گاو با الهی ماده گاو که با ابعاد و تناسبات کیهانی دارد، در می آمیزد. منظور، همواره ماده گاو است که زاینده همه چیز است. ریگودا از ماده گاو که به همه چیز جان می بخشد، یاد می کند. در آثورودا، ماده گاو، به ترتیب با همه خدایان در می زاید. " حیات خدایان و زندگانی آدمیان از ماده گاو است. " مادر خدایان نیز به سیمای ماده گاو نمودار شده است. مردم هند، همه ورزه گاو را میپرستیدند، خواه تجلی قدسی خدای زایاننده و مظهر آثار جوی، خواه هم چون یکی از ممیزات، خصایص و متعلقاتش. (واحد دوست، سال ۱۳۷۹، صص ۳۲۳) اعطای یک ماده گاو به براهمن (ملای هندو) خواه به صورت "دکشینا" یا مزد اجرای آداب و مراسم مذهبی و خواه به رسم پیشکش، امری فوق العاده و خدا پسندانه وانمود شده و ربودن و دزدیدن ماده گاو از براهمن گناه فاحشی به شمار آمده است. قطعه ای که ذیلاً می آید. در ستایش ماده گاو است که، منتهای خوبی و حسن جریان قربانی را

در خود خلاصه میکند. کمال خوبی و ستایش برای قربانی کننده است ولی لعن و نفرین برای کسی است که بخواهد دست مزد ملاهای هندو را برباید. مینگریم که در این قطعه یک دزد احتمالی فرض شده که یک "کشتریه" یعنی مردی از طبقه فرمانروا متعلق به طبقه هندو (طبقه ی اول اجتماع هندو طبقه براهمن است) با دزدیدن ماده گاوی از براهمن همه چیز خود را از دست میدهد و خواهد مرد و به دوزخ خواهد رفت و این حکم اشاره ای است به رقابت در اعمال قدرت میان دو طبقه مذکور که یکی براهمن و دیگری کشتریه (فرمانروا) است. (جلالی نایینی، ۱۳۷۵، صص ۲۷۳-۲۷۴)

در هنر هند تصاویر زیادی از نقش گاو به صورت نقش بر جسته و طراحی روی ظروف و پارچه‌ها دیده می‌شود. و در این جا نمونه‌ای از نقش گاو ورزای را که به هزاره چهارم پیش از میلاد بر می‌گردد، مشاهده می‌کنیم. (تصویر شماره ۱۶) در فرهنگ هندی به سبب زمینه‌های پرستش و تقدس گاو نیز بسیار مورد پرستش و ستایش بوده است. و در نواحی رامپور در عهد موریای هند نقش گاو نو را بصورت سر ستونی سنگی می‌توانیم مشاهده کنیم که کل بدن گاو به حالت ایستاده روی آن قرار گرفته است. (گرترو، ۱۳۸۰، صص ۴۰-۴۲)



تصویر ۱۶. ورزای اسطوره ای،
هزاره چهارم پیش از میلاد

مار:

خدا در قلب همه‌ی موجودات حضور دارد. این جمله بر همه‌ی روح‌های زنده چه خوب چه بد تأکید می‌کند نه فقط انسان بلکه حیوانات، پرنده‌گان، خزندگان، جوندگان، حشرات و انواع بسیار دیگر که همگی در تکامل و پیشرفت تحول انسان نقش دارند، ریشی‌ها همه را به عشق در زمین و احترام گذاردن به گیاهان و جانوران و همه‌ی آن‌ها که به طریقی مفیدند، فرا می‌خوانند. مارها محصولات را از آسیب جوندگان و حیوانات در امان می‌دارد. مارها تا زمانی که برایشان مزاحمت یا آزار ایجاد نکرده به کسی آسیب نمی‌رسانند. گفته می‌شود که، چشمان مارها از خاصیتی بر خوردار است که پس از دیدن هر شخص برای یک بار او را برای همیشه در هر مکانی به خاطر خواهند آورد. "کاندالینی" مار مارپیچ قدرتمندی است که، در پایین نخاع است خدای شیوا کاندالینی را رام نمود و مارها را برای تزئین بدن خود پذیرفته است: رب النوع "گانش" هم آن‌ها را برای تزئین پذیرفته است. "بهاگوان شری کریشنا" هم کاندالینی را رام کرده و به همین دلیل توانست بر روی کلاه "کالی آگ-ناگ" بر قصد و او را از دریاچه "جامونا" به دریا براند. خدای ویشنو کاندالینی را رام نمود و بدن مارپیچ "سشناگ" را محل خواب راحت خود قرار داد. گفته می‌شود که، سشناگ زمین را روی هزاران کلاه خود گذاشته است.

خدایان "سورسا" را مادر مارها که ذکاوت و مهارت "هانومن" را دقیقاً زمانی امتحان می‌کند که هانومن آماده شده بود تا با اقیانوس بزرگ مواجه شود تا در جستجوی سیتا به لانکا برسد. "تاکشاک"، خدای مارها سبب مرگ "پاریک شیتا" شد، در آیین جین، بهاگوان، "بودا" بهاگوان ماهویر" در خلسه‌های ما فوق طبیعی تا پاشیا خود، به وسیله مارهای نیرومندی محافظت می‌شدند. در همه بتکده‌ها، مارها به مانند خدایان با ۵ تا ۷ سر تصویر شده‌اند. گفته می‌شود که، اگر شخصی حتی از "واگاریز" به وسیله سرهای فراوان ماری محافظت شود وی از پادشاهان بزرگ یا قدیسان عالی مقام خواهد شد. "تان تریک‌های" هندو معتقدند، که مارها از سوی طبیعت یا خدایان از گنج‌های پنهان زیر زمین نگهبانی می‌کنند. نگهبانان جنگل‌ها، مارها را قابل اعتمادترین موجود جنگل در موقع خواب صاحبانشان به شمار می‌آورند. اما مسلمانان مارها را بدترین دشمن خود دانسته و آن‌ها را می‌کشند. (گرترو، ۱۳۸۰، صص ۱۲۷-۱۲۸)



تصویر ۱۷. کریشنا در حال رام کردن و رقصیدن، تندیس مفرغی، سده ۱۶ میلادی، موزه ویکتوریا

در "یاچورودا" و "آتارواودا" مارها خدای آب و مشخص‌کنندگان جریانات انرژی "بیومگنتیک" زیرزمینی محسوب می‌شوند، وقتی که آنها روی خاک می‌خزند به طور زیگزاکی حرکت می‌کنند ولی در آب انحنای پیچش ندارند و مانند یک عصا صاف شنا می‌کنند. ریشی‌ها تصور می‌کنند که "مارها کاد" یا "پریود" را نشان می‌دهند. (ایونس، ۱۳۷۳، صص ۶۵-۶۸)

نمونه‌ای دیگر از تصویر و نقش مار را به صورت اژدر مار می‌توان در مجسمه و تندیس مفرغی که کریشنا در حال رام کردن و رقصیدن بر تن اوست می‌توان مشاهده کرد. (تصویر شماره ۱۷) مار در آیین بودا سمبل خشم و غضب و یکی از سه گناهان اصلی را شامل می‌شود. یکی از دلایل پرستش مار در قدیم این بود که، تصور می‌کردند از رازهای زندگی آگاه است.

بررسی تطبیقی سمبل‌های حیوانی ایران و هند در عهد باستان

مار:

سمبل مار چه در ایران و چه در هند از جمله حیوانات خزنده‌ای است که در اساطیر این دو تمدن دارای اهمیت است در آیین میترا در ایران مار جانور بدکار و متعلق به اهریمن نیست و در ماجرای عروج میترا به آسمان وی برگردونه‌ای سوار است که (هرمس-مرکور) راهنما و راننده‌ی گردونه است و به علت بال‌های که بر سر دارد و چوبی از درخت غار، که دو مار دور آن حلقه زده‌اند قابل تشخیص است و این نشان می‌دهد که، در آیین میترا ملر یکی از نشانه‌های اصلی و عامل شفا بخشی مطرح است. در حالی که، در آیین بودا مار سمبل خشم و غضب و یکی از سه گناهان اصلی را شامل می‌شود. ارتباط این دو تمدن از لحاظ سمبل مار، نقش مار را در حال رقص است که، در بعضی از مراسم همراه موسیقی، حالتی از نشو و نمو گیاهان را تداعی می‌کند که، در این باره مار سمبل حاصلخیزی زمین و فراوانی باران مطرح است. همانطور که در ایران باستان نیز همین معنا و مفاهیم را دارد.

اسب:

در باورهای قومی و اساطیری در هند و ایران اسب در حال پرواز مرکب خدایان، نشانه ظهور علم، فهم و هوش است. اسب در ایران باستان همراه ارابه نشانه خدای باد، خورشید یا دریا است. و در هند باستان هم از اسب نشانه ایزد آفتاب و ایزد ماه و ایزد باد سخن رفته است که با هم مشترک هستند. از نکات اشتراک دیگر اسب در میان ایرانیان و هندیان تجدید زندگی و تداوم گردش خورشید در آسمان است که در هند گرداننده‌ی "سوریا" یعنی خورشید با هفت اسب بزرگ به نشانه تجدید زندگی ابدی رانده می‌شود و در ایران برای تداوم گردش خورشید در آسمان، اسب را در پیشگاه خدای خورشید قربانی می‌کردند.

فیل:

از نکات مهم در مورد نقش فیل در ایران به مثابه اقتدار و نیز ستون اصلی سپاه مطرح بود و در جنگ‌ها از آن استفاده می‌شد. فیل در هند مرکب خدایان و پادشاهان بود. در ایران فیل را در رده حیوانات وابسته به دیو و اهریمن به حساب می‌آوردند. در صورتی که، در اساطیر هند فیل مرکب ایندرا و خدایان دیگر بوده است یکی از نشانه‌ها و حیوانات مورد علاقه بودا فیل بوده است. خرطوم فیل در هر دو تمدن نشانه باران و برق است.

گاو:

در هند، پیش از آریاییان، ورزه گاو، در همه ی عبادات و نیایش‌های موهنجو دارو و بلوچستان، متقارن با آغاز دوره‌ی تاریخی، حضور داشته است. "گاو بازی" که هنوز امروز هم در دکن و جنوب هند دیده می‌شود، در هند پیش از دوران ودایی، در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد مسیح، متداول بوده است. در زمان دراویدیان، هند و آریایی، همه روزه گاو را می‌پرستیدند. خواه به عنوان تجلی قدسی خدای زاینده و مظهر آثار جوی، خواه همچون یکی از ممیزات و خصایص و متعلقاتش. تصاویر و نقوش گاو، در معابد شیوا که مرکبش، ورزه گاو است، فراوان قابل مشاهده است. البته نکته‌ای که در مورد مقایسه سمبل‌های حیوانی

باید بیان کرد این است که در هند باستان تصاویر گاو به صورت تلفیقی با انسان به تصویر کشیده شدند نظیر تصاویر گراز که یکی از تجلیات ویشنو است در قالب فردی در آمده که دارای ۴ تا دست بوده و در حال جنگ با اهریمنان است. در حالی که نقوش گاو در ایران باستان به صورت سمبل یا نماد برای تزیین در تصاویر و حجاری ها مشاهده میشود. در تصاویر و آثار هند باستان سمبل های حیوانی همراه خدایان و بصورت مرکب آنان به نمایش درآمدند در حالی که، در هنر ایران باستان سمبل ها و نمادها به صورت مجزا و یا به صورت نقش برجسته روی آثار هنری به تصویر کشیده شده‌اند.

در هنر حجاری مربوط به هخامنشی در عین استحکام و زیبای روح حاکم بر سلاطینی چون کوروش و داریوش را میتوان مشاهده کرد، یعنی روح مدارا "خیر خواهی" و "نیک اندیشی".



تصویر ۱۸. سر ستون
مکشوفه از شهر پاتالی
پوترا، قرن سوم پیش از
میلاد

بنای کاخ تخت جمشید با بنای پاتالی پوترای هند در زمان سلسله موریه، قابل مقایسه است. سرستونهای تخت جمشید از لحاظ کنده کاری که دو حیوان پشت به هم کرده و نقش گل نیلوفر روی آنها دیده می شود با سر ستونهای موریایی قابل مقایسه است. (تصویر شماره ۱۸) در سر ستون شهر پاتالی پوترا نقش گل های لوتوس است، ایرانی است و مشابه این گل ها و مقطع استوانه‌ای دو طرف سر ستون پاتالی پوترا را می‌توانید در نقش برجسته‌های تخت جمشید مشاهده و مقایسه کرد .

در مقایسه سمبل‌ها و نقوش حیوانی مربوط به هند و ایران در این زمان خاص می‌توان به نقش گاو که به صورت سر ستون در کاخ آپادانا تخت جمشید و به صورت پشت به هم کرده قرار دارند اشاره داشت و با سر ستون مربوط به کاخ آشوکا، به صورت سرستون نقش شیر در زمان موریایی مقایسه کرد؛ با این تفاوت که، در تخت جمشید سر ستون‌ها عمدتاً از دو گاو پشت به هم کرده تشکیل شده‌اند (تصویر شماره ۱۸) اما در پاتالی پوترا سر ستون‌ها دارای چهار شیر پشت به هم کرده هستند. البته نمونه دیگری از سر ستون مربوط به هند در عهد امپراتوری موریایی است که سر ستون سنگی گاو نر است و گاو را که از جمله سمبل‌های مهم در هند را به صورت طبیعی نشان داده است که، در مقایسه با سر ستون‌های آپادانا تخت جمشید، گاو به صورت کلی‌تر و تزئینی‌تر مطرح شده است. نمونه دیگر بررسی تطبیقی مربوط به سمبل حیوانی در هند و ایران را می‌توان در سر ستون معروف به سرنات که ۴ تا شیر پشت به هم کرده قرار گرفته اند را با سر ستونی در ایوان شرقی کاخ آپادانا که نقش شیر مشاهده می‌شود مقایسه کرد (تصویر شماره ۱۹). در خصوص نماد شیر در سر ستون معروف سرنات باید این نکته را متذکر شد، که شیر نمادی از شخص بوداست و در بسیاری از آثار دوره موریه خود نمایی می‌کند و مظهر قدرت و انتخاب آن نماد یک نظام (فکری، سیاسی و دینی) بسیار طبیعی است. حضور شیر در هنر ایران نیز از قدیم الایام تا عهد هخامنشی رواج داشته و با توجه به مشخصات هنری نظیر فرو رفتگی آرواره، کشش ماهیچه‌ها و پنجه‌های قدرتمند در شیر میتوان به این موضوع پی‌برد که این خصوصیات ابتدا تحت تأثیر سنت پیکر تراشی هخامنشی شکل گرفته سپس در هنر موریایی نفوذ پیدا کرده است.

از نکات قابل مقایسه دیگر هنر ایران زمان هخامنشی با هنر موریایی در هند شکل ستون‌های آن‌ها



است در هنر هخامنشی پایه ستون‌ها به صورت گل لوتوس (نیلوفر آبی) بوده و در ستون‌های مربوط به آشوکای هند در زمان سلسله موریه این پایه ستون به صورت گل لوتوسی معکوس نمایان است، که حالتی از شکل زنگ را برای ما تداعی میکند و در هند این زنگ را نیلوفر معکوس نام نهادند. (ذکر گو، ۱۳۷۷، صص ۳-۱۷). (تصاویر شماره ۱۹، ۲۰)

نتیجه:

به لحاظ قدمت و گستردگی تمدن‌های کهن ایران و هند و پیدایش اسطوره‌ها و سمبل‌ها، گستره پژوهش در این دو تمدن وسیع، همواره مورد توجه بوده است.

تصویر ۲۰. سر ستون معروف سرنات، ۲۵۰ قبل میلاد
تصویر ۱۹. طرحی از ستون های، کاخ آپادانا تخت جمشید

هر آنچه در اندیشه انسان‌ها مشترک است در اسطوره‌ها بازتاب می‌کند زیرا اسطوره‌ها داستان جاودانه جستجوی جاودانه جستجوی انسان، برای یافتن حقیقت است. ایران و هند، از دیر باز دو تمدن کهن و غنی داشتند که خواستگاه مشترک فرهنگی‌شان باعث شده تا نمادها، نشانه و رمزهای هم‌سانی را برای نسل‌ها و اعصار پس از خویش، به جای گذارند. بررسی این اشتراکات فرهنگی و تمدنی به مدد جستار در نمادهای به جا مانده از آن اعصار طلایی هر جوینده‌ای را به رازهای نهفته‌ای در بطن تاریخ هدایت می‌کنند.

فهرست منابع و مآخذ :

کتاب:

۱. ایوس ورونیکا، شناخت اساطیر هند، ترجمه: باجلان فرخی، تهران، انتشارات گلشن، ۱۳۷۳
۲. جلالی نائینی محمد رضا، هنر در یک نگاه، تهران، انتشارات شیرازه، ۱۳۷۵
۳. ذکر گو امیر حسین، اسرار اساطیر هند، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵
۴. ریاضی محمد رضا، فرهنگ مصور اصطلاحات هنر ایران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۷۵
۵. گرتروید جابز، سمبلها(بخش جانوری)، ترجمه: محمد رضا بقاءپور، تهران، انتشارات مترجم، ۱۳۸۰
۶. گیر شمن رمان، هنر ایران در دوره ماد و هخامنشی، ترجمه: عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱
۷. واحد دوست مهوش، نهادینه‌های اساطیری در شاهنامه فردوسی، انتشارات سروش، ۱۳۷۹
۸. هرمان جورجینا، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه: مهرداد وحدتی، انتشارات دانشگاهی، ۱۳۷۳
۹. یاحقی محمد جعفر، فرهنگ و اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۹

مجلات:

۱. توحیدی فائق، بررسی هنر و کاربرد ظروفی به نام ریتون در هنر ایران، مجله موزه ها، تهران، ۱۳۷۷، شماره ۲۰
۲. چارلزورث م. ف، فیل جنگی در ایران باستان، ترجمه احمد علی موجانی، مجله باستان شناسی، ۱۳۶۶، شماره ۲
۳. سمسار محمد حسن، اهمیت اسب و تزئینات آن در ایران باستان، مجله هنر و مردم، شماره ۲۰، ۱۳۴۳

فصل نامه :

۱. عبدالهیان بهناز، مفاهیم نماد های مهر و ماه در سفالینه های پیش از تاریخ، هنر نامه دانشگاه هنر، شماره ۲، ۱۳۷۸